

بازآفرینی شهری و مشارکت مردمی

عباس احمدیان

کارشناسی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی بازآفرینی شهری و مشارکت مردمی انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها بود. نتایج نشان داد اعتماد سازی – کلید طلایی یا رمز اصلی مشارکت مردم در بازآفرینی شهری است و موانع تحقق مشارکت مردم در مدیریت توسعه فضای شهری در قسمت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، فقدان طرح عملیاتی مناسب، موانع سیاسی مشارکت، عدم شناخت جایگاه سازمان های غیردولتی، احساس عدم تعلق به محله، محدودیت های قانونی، محرمانه بودن برخی از برنامه ها و موانع ساختاری خلاصه می شود.

واژه های کلیدی: شهر، بازآفرینی، بازآفرینی شهری، مشارکت، مشارکت مردمی

مقدمه

بازآفرینی شهری به عنوان یک فرآیند جامع و چندوجهی، به بازسازی و بهبود فضاهای شهری که دچار افت کیفیت و کارایی شده‌اند، می‌پردازد. این فرآیند نه تنها شامل اقدامات فیزیکی مانند نوسازی ساختمان‌ها و بهبود زیرساخت‌ها می‌شود، بلکه به طور جدی به ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد فضاهای عمومی کارآمد و جذاب نیز توجه دارد. در این راستا، مشارکت مردمی به عنوان یک عنصر کلیدی در موفقیت پروژه‌های بازآفرینی شهری شناخته می‌شود. مشارکت فعال شهروندان می‌تواند به درک بهتر نیازها و خواسته‌های جامعه کمک کرده و به ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری در میان ساکنان منجر شود. با این حال، تحقق مشارکت مؤثر مردم در مدیریت توسعه فضای شهری با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است. از جمله این موانع می‌توان به عدم آگاهی و آموزش کافی شهروندان، فقدان شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، و همچنین عدم اعتماد به نهادهای دولتی اشاره کرد. این مسائل می‌توانند مانع از جلب مشارکت فعال و مؤثر شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری شوند و در نتیجه، کیفیت و اثربخشی این پروژه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. در این مقاله، به بررسی بازآفرینی شهری و نقش مشارکت مردمی در این فرآیند پرداخته خواهد شد. همچنین، موانع تحقق مشارکت مردم در مدیریت توسعه فضای شهری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. هدف این مقاله، شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای تسهیل و تقویت مشارکت مردمی در پروژه‌های بازآفرینی شهری است. با توجه به اهمیت این موضوع در بهبود کیفیت زندگی شهری و ایجاد فضاهای عمومی پایدار و کارآمد، بررسی دقیق و جامع این موانع و راهکارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مشارکت

مشارکت پذیری اعضای جامعه به عنوان نیاز اجتناب ناپذیر عصر ما همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهند. فرایند مشارکت پذیری از رویکردهای متفاوتی قابل توجه است اما نظام مند بودن کنش اجتماعی ایجاب می‌کند تا شرایط و موانع فرهنگی مشارکت پذیری اعضای جامعه بررسی شود. امروزه مقوله مشارکت مردم شرط توفیق هر نوع برنامه و رهیافت کلان اقتصادی، اجتماعی و توسعه بشمار می‌رود و علت این امر نیز گستردگی و تنوع زمینه‌های مشارکت است بنا براین هرگز نمی‌توان به برداشتی محدود از مفهوم فراگیر مشارکت اکتفا کرد (غفاری، ۱۳۹۱). لذا مشارکت، کنش هدفدار، ارادی، اختیاری و ارزشی بین کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی او به منظور نیل به هدف معین و مشترک است، همانطور که ملاحظه می‌شود و در این تعریف ارادی بودن مشارکت مورد تأکید است که در نتیجه مشارکت کننده را از حالت غیر فعال خارج می‌سازد، مشارکت شامل فعال بودن موقعیت و امکان تحت تأثیر قرار گرفتن فرد در آن موقعیت است که در این صورت این امر چیزی بیش از سهم داشتن است (حسینی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر روشهای مشارکتی باید به عنوان مجموعه‌ای از ابزار ضروری دیده شود که می‌توانند مکملی برای دیگر روش‌های پژوهش و توسعه متداول باشند و نه جایگزینی برای آنها. هدف از مشارکت، توانمند سازی افراد برای مشارکت خود جوش است در واقع مشارکت فرایندی است که موجب تحرک بخشی منابع محلی، بکارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری مردم محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحصیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (کسالانی، ۱۳۷۹).

مشارکت مردمی

مشارکت مردمی به معنی گردهم آیی و تشکل آگاهانه و خودجوش جمعی از شهروندان ساکن در یک محدوده به منظور بهبود وضعیت زندگی به شیوه‌ای غیر انتفاعی و بر اساس آگاهی‌های فردی و جمعی آنها در کلیه مراحل تهیه طرح، نظارت و

اجرا می‌باشد. به نحوی که این دخالت و درگیری داوطلبانه منجر به بروز ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نهفته مردمی شده و آنها را با محدودیت‌ها و امکانات طرح در هر یک از مراحل آن آشنا ساخته و موجب تقویت اعتماد به نفس، افزایش روحیه همکاری و همچنین تحکیم همبستگی‌های اجتماعی می‌شود. از طرفی قدرت رویارویی مردم با مسائل و مشکلات زندگی شهری افزایش می‌یابد. علی‌رغم منافع و ضرورت‌های آشکار و نهان مشارکت مردمی، هنوز نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که نیازمند دخالت گسترده مردم در فرآیند انجام آنها می‌باشد، به دست نیاورده است. از طرفی مشارکت، پیشینه‌ای تاریخی دارد، عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، یاری، اتحاد، انجمن و نظایر اینها همراه است. مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسؤولانه است، و یکی از ساز و کارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود که تنها می‌تواند از درون برخیزد. تبلور واقعی مشارکت در جمع روی می‌دهد و در جمع بازتاب می‌یابد. از این روست که مشارکت فرا یندی اجتماعی به شمار می‌رود (حامد مقدم، ۱۳۸۳). امر مشارکت مردم در امور اجرایی، توسعه و عمران بافت‌های شهری به خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که در حال حاضر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند به اعتباری ساده و سهل و بدیهی به نظر می‌رسد، به نحوی که شاید برخی طرح موضوع را چندان ضروری ندانسته و براین باور باشند که وجود زمینه‌های سنتی مشارکت در جامعه و تنها تقویت و پرورش این زمینه‌ها و احیاناً ایجاد انگیزه‌های مناسب در عرصه مشارکت کافی باشد. اما تجربه حاکی از آن است که بدهات هر امری نشانه‌سازگی و سهولت دستیابی به آن نیست و لازمه تحقق آن نیازمند مطالعات وسیع و ایجاد نهادها و تشکلهای مردمی و قانونی می‌باشد. بدون تردید نادیده گرفتن مردم در طرح‌های عمران شهری از جمله طرح‌های نوسازی شهری به معنی چشم پوشی از مشارکت مادی و معنوی مردمی خواهد بود که متغیر اصلی این مقوله بوده و چه بسا اگر مردم در تمام مراحل طرح آگاه از جریان امر نباشند، طبیعتاً نسبت به طرح و اتفاقات محیط شهری خویش نیز بی تفاوت خواهند بود (حبیبی، ۱۳۸۴).

بازآفرینی شهری و مشارکت مردم

برنامه بازآفرینی، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری به دلیل امکان استفاده از ظرفیت‌های قابل توجه و بی‌بدیل احداث مسکن و توسعه دسترسی به خدمات شهری در آن به عنوان یکی از برنامه‌های سیاست توسعه درونزای شهری محسوب می‌شود لیکن تحقق این برنامه به دلیل سرمایه‌گذاری هنگفت مورد نیاز آن با توجه به سطح بسیار گسترده بافت‌های فرسوده جز با مشارکت مردم و بخش غیر دولتی امکان پذیر نیست (موحد و همکاران، ۱۳۹۲)، اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا تمایلی برای حضور فعال در بازآفرینی، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده به رغم ارزش افزوده آن در ایران را ندارند؟

پاسخ پرسش فوق را می‌توان در پیچیده و چند وجهی بودن مسایل نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری و عدم بازگشت سرمایه در برخی تولیدات فرایند بهسازی و نوسازی مانند شبکه‌های دسترسی و معابر، فضاهای عمومی و سبز جستجو نمود. همچنین مشکلات و معضلات حقوقی و ثبتی و نیز وجود مالکیت‌های موروثی، وقفی، مشارکتی و یا مجهول، وجود موانعی از جمله مقاومت برای حفظ برخی درآمد‌های پنهان در بافت‌های مسکونی فرسوده، مشکلات مربوط به آزادسازی اراضی و املاک فرسوده، عدم وجود دسترسی‌های ضروری و مناسب برای حمل مصالح ساختمانی و عدم شفافیت در سرمایه‌گذاری و برگشت سرمایه در این گونه بافت‌ها از دیگر مسایل این فرایند محسوب می‌شوند (موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

جدول (۱): مقایسه نکات مثبت مشارکت

محاسن برای شهروندان مشارکت کننده	محاسن برای حکومت
فرایند تصمیم - آموزش (آموزش از مسئولین و آگاه کردن آنان) - قانع سازی و روشن کردن مسأله برای مسئولین. - کسب مهارت ها برای فعالین - شهروندی	- آموزش (آموزش از شهروندان و آگاه کردن آنها). - قانع سازی شهروندان: اعتماد سازی و برطرف کردن نگرانی ها و بیگانگی. - ایجاد همبستگی استراتژیک. - بدست آوردن مشروعیت تصمیم گیری.
هنگام اجرا - به دست آوردن نتایج - بدست آوردن برخی کنترل ها بر فرایند برنامه ریزی - برنامه ریزی بهتر و تصمیمات اجرایی تر	- به دست آوردن نتایج. - اجتناب از هزینه های دادخواهی. - برنامه ریزی بهتر و تصمیمات اجرایی تر

با عنایت به مطالب پیشگفته، برای بهره‌مندی از مشارکت و پویای اجتماعی مردم، رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی در سایه حضور فعال و موثر مردم و بخش غیردولتی و ایجاد بستر مزبور لازم است آنان را مورد تشویق و حمایت قرار داده و به عبارت دیگر توانمند نمود (جدول شماره ۱) برای توانمندسازی آحاد مرتبط با امر بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری لازم است در سه محور ذیل برنامه‌ریزی و اقدام شود:

- ۱) ایجاد انگیزه مؤثر بین مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی؛
 - ۲) ایجاد فضای اعتماد آفرین برای مشارکت مالکان، سازندگان و سرمایه گذاران غیر دولتی با همدیگر؛
 - ۳) ایجاد بستر قانونی مناسب برای التزام مردم به نوسازی و یا مشارکت در امر نوسازی و رفع موانع قانونی موجود از جمله تناقض بین مصلحت حفظ جان عموم انسانها و حرمت اعمال حقوق مالکیت فردی.
- در تشریح علل انتخاب سه محور بالا، مطالب بسیاری مطرح است از جمله: برنامه‌ریزی و ساماندهی، نظارت و انگیزش از مهمترین وظایف مدیریت شهری است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲). توسعه کار مشترک و جلب مشارکت همه جانبه آحاد ساکنان، مالکان و افراد علاقمند و ذینفع در امر بهسازی و نوسازی شهری، صرفاً در یک بستر شفاف، مطمئن و مملو از اعتماد متقابل تحقق می‌یابد. فارغ از مباحث حقوقی، قانونی و قراردادی، آحاد مزبور باید به متولیان، مجریان و مدیران طرح های بهسازی و نوسازی اعم از دولت، شهرداریها و یا مجریان بخش غیردولتی اعتماد نموده و به بیان ساده تر رابطه عاطفی و صمیمی برقرار نمایند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).
- لذا اعتماد سازی - کلید طلایی یا رمز اصلی مشارکت مردم در بازآفرینی شهری است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲). در هر صورت عده ای باقی خواهند ماند که به هر دلیل حاضر به همراهی و مشارکت در امر بهسازی و نوسازی نیستند. برای رفع این مانع چارهای جز استفاده از ابزار قانونی وجود ندارد.

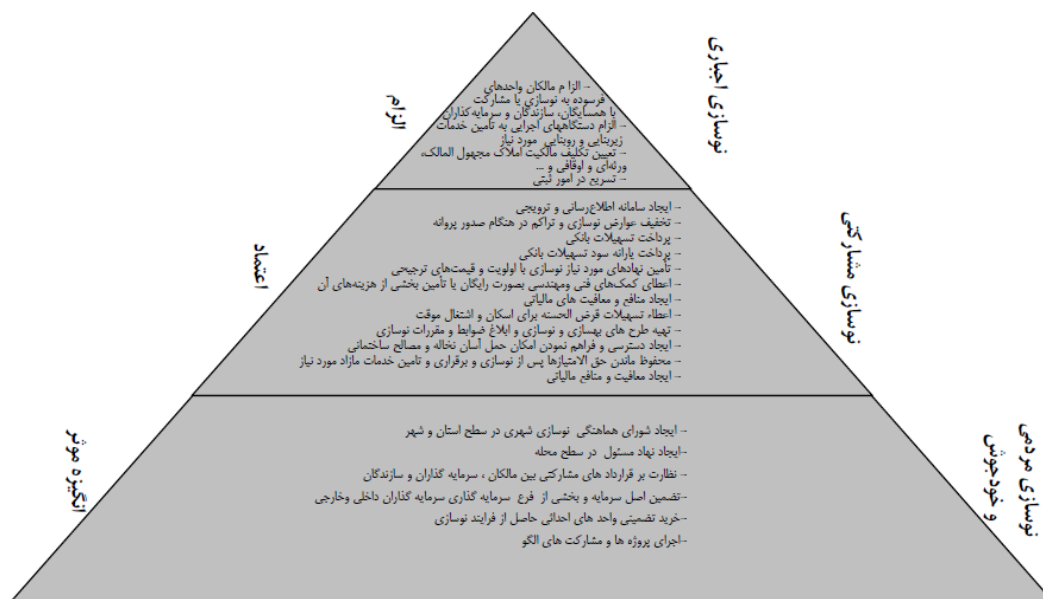
راهکارهای اجرایی بازآفرینی شهری

ایجاد سامانه اطلاع رسانی و ترویجی برای آگاهی یافتن مردم از حقوق و منافع خود، تخفیف عوارض نوسازی و تراکم ساخت در هنگام صدور پروانه، پرداخت تسهیلات بانکی، پرداخت یارانه سود تسهیلات بانکی، تأمین نهادهای مورد نیاز نوسازی با اولویت و قیمتهای ترجیحی، اعطای کمک های فنی و مهندسی به صورت رایگان یا تأمین بخشی از هزینه های آن، ایجاد

منافع و معافیت‌های مالیاتی، اعطاء تسهیلات قرض الحسنه برای اسکان و اشتغال موقت، تهیه طرح های بهسازی و نوسازی و ابلاغ ضوابط و مقررات نوسازی و ایجاد دسترسی و فراهم نمودن امکان حمل آسان نخاله و مصالح ساختمانی از جمله راه کارهای ایجاد انگیزه موثر برای نوسازی داوطلبانه است (آیینی، ۱۳۸۸).

بر همین اساس می‌توان عنوان نمود ایجاد شورای هماهنگی بین مجموعه دستگاه‌های متولی خدمات شهری، زیربنایی و روبنایی هر استان و شهر، ایجاد شوراهای مشورتی در بین ساکنان، ایجاد نهاد مسئول در سطح محله، نظارت بر قراردادهای مشارکتی بین مالکان، سرمایه گذاران و سازندگان، تضمین حفظ ارزش دارایی های مالکان واحدهای فرسوده و بهره مند شدن متناسب از ارزش افزوده حاصل از نوسازی، تضمین اصل سرمایه و بخشی از فرع سرمایه گذاری سرمایه گذاران داخ لی و خارجی، خرید تضمینی واحدهای احداثی حاصل از فرایند نوسازی و اجرای طرحها و مشارکتهای الگو از راه کارهای اعتماد سازی برای نوسازی مشارکتی است. الزام مالکان واحدهای فرسوده (که حاضر به همکاری نیستند) (به نوسازی یا مشارکت با همسایگان، سازندگان و سرمایه گذاران، الزام دستگاه های اجرایی به تامین خدمات زیربنایی و روبنایی مورد نیاز برای تکلیف مالکیت املاک مجهول المالک، برای کمک در تأمین کسری آورده برخی مالکان برای دریافت حداقل واحد نوسازی شده و تعیین تکلیف مالکیت املاک مجهول المالک، ورثه ای، اوقافی و قولنامه ای و تسريع در امور ثبتی ازجمله راهکارهای ایجاد الزام برای نوسازی است (موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه درصورت فراهم شدن موارد انگیزشی موثر و نیز فضای اعتماد آفرین اکثر مردم و بخش خصوصی با جریان نوسازی همراه می‌شوند، در نهایت عده کمی باقی خواهند ماند که به هر دلیل حاضر به همراهی و مشارکت در امر بهسازی و نوسازی نیستند. بر اساس موارد بیان شده، می‌توان جریان بازآفرینی، نوسازی و بهسازی شهری و مشارکت مردم را با هرم بازآفرینی و مشارکت مردم صورت تصویر شماره (۲-۲) نشان داد. این هرم بیانگر این مطلب است که برای جلب مشارکت صددرصدی مردم و بخش خصوصی نیاز به فراهم شدن زمینه های متعددی به صورت کارآ و موثر می‌باشد. اهمیت چنین مشارکتی زمانی بارز می‌شود که اگر مالک یک حبه (یک هفتاد و دوم یک ملک) راضی به ملحق شدن به جریان نوسازی نباشد می‌تواند یک طرح نوسازی بزرگ را متوقف نماید (حسینی، ۱۳۸۷).



شکل شماره (۱) : هرم بازآفرینی و مشارکت مردم

این هرم می‌تواند به عنوان معیار مناسبی برای ارزیابی برنامه های بازآفرینی و بهسازی شهری مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس برنامه ای می‌تواند مطلوب ارزیابی شود که در هر سه حوزه پیشگفته زمینه های لازم را فراهم نماید. به هر میزانی که کمبود و نقص وجود داشته باشد، درجه مطلوبیت و موفقیت آن برنامه کاهش می‌یابد. برای آزمون کارایی این شاخص، به ارزیابی رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری می‌پردازیم. لازم به ذکر است، هریک از این عناصر تأثیر مستقیم بر هم دارند بدین معنا که هرچه اعتماد بالاتر، انگیزه هم افزایش می‌یابد (حسینی، ۱۳۸۷).

موانع تحقق مشارکت مردم در مدیریت توسعه فضای شهری

۱) موانع اقتصادی:

از این روی که انسان موجودی اقتصادی است. رفتار های خود را عمدتاً براساس منافع اقتصادی خویش تنظیم می‌کند. بنابراین مشارکت مردم در هر امری و به ویژه در نوسازی بافت فرسوده نیز تابع همین قاعده بوده و بر آن اساس سنجیده می‌شود. اگر منافع اقتصادی مردم توسط برنامه ریزان و مدیران تصمیم گیران تامین نشود نباید انتظار مشارکت مردمی را داشت. مردم تنها دارایی خود را همین واحد های مسکونی کوچک و فرسوده و یا واحد های کسب و کار محقری که دارند می‌دانند. نگرانی از این که تمام دارایی و مایملک خود را در یک کار حساب نشده از دست بدهند و یا این که بهای ملک فرسوده خود را نتوانند تامین کنند و در نتیجه همین سرپناه محقر یا محل کسب قوت خود را از دست بدهند (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲). برنامه نوسازی باید به گونه ای طرح شود تا اطمینان از سود اقتصادی و عدم زیان را محقق سازد. برنامه ریزی خوب آن است که از فرصت نوسازی بافت های فرسوده به دنبال سود های اقتصادی بیشتری برای ساکنان باشد تا هزینه های نوسازی برای مردم قابل توجیه باشد (انصاری و همکاران، ۱۳۸۸).

۲) موانع فرهنگی و اجتماعی:

برای تحقق مشارکت عمومی مردم لازم است عموم مردم آموزش های لازم را ببینند. آشنایی با مسائل مربوط به مشارکت تمرین مشارکت و فراگیری اصول مشارکت و چگونگی مشارکت کردن ضامن موفقیت طرح هایی هستند که بر اساس مشارکت طراحی شده باشد. در جامعه ما مردم نسبت به بخش دولتی و عمومی دچار بی اعتمادی تاریخی هستند و زدودن این ذهنیت و ایجاد نگرشی جدید نیازمند حرکت نرم افزاری طولانی مدت و برقراری تعامل مستمر با مردم می‌باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

۳) فقدان طرح عملیاتی مناسب:

این مهم اختصاصاً از وظایف مدیران و متولیان امر است. متأسفانه مدیران مربوطه در نظام هدایت و مدیریت نوسازی فاقد ایده روشن بوده و به تبع آن از هیچگونه طرح عملیاتی قابل پیاده سازی منطبق بر اهداف کلان نوسازی که در آن حقوق و وظایف مردم ساکن در بافت و مدیریت شهری و دولتی به طور صریح تعریف شده باشد بی بهره اند. مشارکت مردمی در نوسازی گرچه با موانعی همراه است اما تحقق آن ضروری است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

۴) موانع سیاسی مشارکت:

هر چه یک نظام سیاسی و ساختار قدرت، متمرکز باشد، مشارکت مردم در اداره امور، محدودتر صورت می‌گیرد.

۵) عدم شناخت جایگاه سازمان های غیردولتی:

مردم اطلاع چندانی از نقش و جایگاه نهادهای غیردولتی در احیای بافت ها ندارند و این باعث عدم همکاری آن ها با چنین نهادهایی می‌شود.

۶) احساس عدم تعلق به محله:

اغلب اهالی این مناطق به دلیل شرایط نامناسب و ناکارآمد، از زندگی در این محلات احساس رضایتی نداشته و تعلق خاطری نسبت به محیط خود حس نمی‌کنند و حتی گاهی در محافل عمومی از بیان اینکه ساکن چه محله ای هستند، اجتناب می‌کنند. بدیهی است که این شیوه تفکر به کاهش مشارکت مردمی می‌انجامد.

۷) محدودیت های قانونی:

نبود قوانین و مقررات ویژه درخصوص مشارکت مردمی

۸) محرمانه بودن برخی از برنامه ها :

محرمانه بودن و عدم اطلاع مردم از برنامه ها موجب می‌شود که مردم به اطلاعات دسترسی نداشته و در نتیجه از آن بی بهره بمانند و همین امر موجب عدم مشارکت مردم می‌شود.

۹) موانع ساختاری:

شامل فقدان مدیریت شهری یکپارچه، برنامه ریزی بسیار متمرکز، فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازمان دهی (غفاری، ۱۳۹۱).

منابع و مآخذ

۱. آیینی، محمد؛ ارستانی، زهرا (۱۳۸۸)، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درونزای شهری، نشریه هویت شهره شماره ۵، صص ۶۵-۷۶.
۲. انصاری، مجتبی و همکاران (۱۳۸۸). بازشناسی انگاره های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری. دو فصلنامه نامه معماری و شهرسازی، صص ۷۱-۹۱.
۳. حامد مقدم، احمد (۱۳۸۳)، مشارکت و توسعه ی مشارکتی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران، انتشارات سمت.
۴. حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۲۴-۱۵.
۵. حسینی، سید جواد (۱۳۸۷)، مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهری، سخن گستر، مشهد.
۶. زیاری، کرامت اله؛ نیک پی، وحید و حسینی، علی، (۱۳۹۲)، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری - مطالعه موردی؛ شهر یاسوج، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱.
۷. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۱)؛ تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، پایان نامه دکتری، رشته جامعه شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۸. کاکاوند، الهام، براتی، ناصر و امی نژاده گوهریزی، بهرام (۱۳۹۲). سنجش تطبیقی تصویر ذهنی شهروند و شهرساز به مفهوم کیفیت محیط شهری، باغ نظر.
۹. کسالائی، افشین (۱۳۷۹)، جایگاه و نقش مدیریت مشارکتی در مدیریت شهری شهرهای جدید (شهر جدید پردیس)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۰. موحد، نیما؛ فرجی، سمکو؛ یاری، حمید رضا (۱۳۹۲)، نقش سازمان های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر اهواز، نشریه جغرافیا، شماره ۳۶، صص ۷۹-۹۵.